

نگاهی به تاریخ سمندر*

شعله کوئین

از انجمن ادب و هنر که مرا به این جلسه دعوت کرده‌اند بسیار سپاسگزارم. اجازه می‌خواهم برای بیان اهمیت کتاب تاریخ سمندر از شما دعوت کنم که همراه من این کتاب را به آن شیوه و متدی که یک مورخ بررسی می‌کند مورد مطالعه و توجه قرار دهید.

امروزه تاریخ و مطالعه تاریخ بسیار گسترده شده و کسانی که خود را با پروژه‌های گوناگون تاریخی مشغول کرده‌اند آن قدر فراوانند که گاهی جنبه علمی و پژوهشی این علم از یاد می‌رود و مردم فراموش می‌کنند که تاریخ و پرداختن به مسائل تاریخی مثل هنر و علوم و غیره یک رشته تخصصی و علمی است که قوانین و اصول خاص خود را دارد. در این سخنرانی برخی از این جنبه‌ها را مطرح می‌نمایم.

مورخین امروز برای درک و فهم درست وقایعی که در گذشته رخ داده به نوشته‌ها، خاطرات، گزارش‌ها و وقایعی که در زمان رخ دادن آن واقعه نگاشته‌اند توجه می‌کنند. برای یک مورخ خواندن و تجزیه و تحلیل آنچه از پایگاه امروزی درباره یک واقعه قدیمی نوشته شده کافی نیست بلکه باید آثار و تألیفات اصلی را مورد مطالعه قرار دهد. این نوع آثار را در اصطلاح «منابع اولیه» می‌نامند زیرا از آثار دست اول به شمار می‌آیند. «منابع اولیه» با «منابع دست دوم» فرق دارند. «منابع دست دوم» معمولاً در زمان حیات ما نگاشته شده و شامل برداشت‌ها و تجزیه و تحلیل‌های شخص دیگری که

معاصر ما است از یک واقعه تاریخی می‌باشد.

مورّخی که در یک موضوع تاریخی تحقیق می‌نماید از دو قانون مهمّ پیروی می‌کند: اول آنکه تمامی منابع دست دوّم را مطالعه کرده، و مورد استفاده قرار می‌دهد. بدین معنی که خلاصه «منابع دست دوّم» را در ابتدای کتاب به اطلاع خواننده می‌رساند تا هم آنان و هم سایر پژوهندگان بدانند که در باره آن موضوع بخصوص چه نوشته شده است. دوّم آنکه از کلیه «منابع دست اوّل» آگاهی می‌گیرد و کوشش می‌کند به آنها دست یابد. تنها پس از مطالعه دقیق و تحقیق در این منابع است که مورّخ خواهد توانست اطلاعات مندرجه در منابع دست دوّم را تا حدّ امکان تصحیح و تکمیل نماید.

سخنرانی امروز من تأکید در این قسمت یعنی تجزیه و تحلیل تاریخ سمندر به عنوان یکی از «منابع دست اوّل» تاریخ امر است. تاریخ سمندر در حدّ خود یک منبع اولیه برای مطالعه دو دیانت بابی و بهائی است زیرا سمندر شاهد عینی بسیاری از وقایع و حوادثی که نام می‌برد بوده است. در واقع یکی از مظاهر بی‌نظیر تاریخ امر الهی آن است که بسیاری افراد خاطرات خود را نگاشته و وقایع زمان خویش را به صورت مکتوب برای آیندگان به یادگار گذارده‌اند. البته همه منابع اولیه یکسان نیستند. مثلاً بین آنچه یک وقایع‌نگار رسمی دولتی از واقعه زمان خود ثبت کرده با آنچه تاجرمانند جناب سمندر از همان وقایع نگاشته فرق هست. یکی از وظایف تاریخ‌نگار آن است که این منابع اولیه را ارزش‌یابی نماید و مورد سنجش قرار دهد و تفاوت‌های آنها را دریابد.

آنچه وقایع‌نگاران رسمی دربار قاجار از تاریخ اولیه دو دیانت بابی و بهائی نگاشته‌اند یک رشته از منابع اولیه را تشکیل می‌دهد. سبک و روش این وقایع‌نگاران تقلیدی از کتب تاریخی قدیم‌تر است. این نوع کتاب‌ها با سبکی بسیار والا و مشکل به نام «سبک منشیانه» نگاشته شده که نوعی نثر مسجع به شمار می‌آید و جملات بسیار طولانی دارد. مثلاً یک مورّخ ممکن است چند صفحه را سیاه کند تا بگوید «زمستان سردی بود»، و یا «بهار فرا رسید». شرح جنگ‌ها به صورت نوعی درام و حماسه نگاشته شده گوئی مورّخ علاقه‌مند است تا قدرت خود را در نگارش یک سبک ادبی نشان دهد نه اینکه بخواهد واقعاً بگوید آن جنگ چگونه گذشته است. سوی آن مورّخین معمولاً جیره‌خوار یک پادشاه بودند و شرحی که می‌نوشتند پر بود از تعریف و ستایش و تمجید از شاه و یا کسی که برایش قلم می‌زدند.

بخش دیگر از «منابع اولیه» که بسیار با آنچه مورّخین رسمی قاجار نگاشته‌اند تفاوت دارد خاطرات و یادداشت‌های بسیاری از مؤمنین اولیه از وقایع تاریخی امر در دوره قاجاریه است. این خاطرات توسط افرادی نگاشته شده که ما معمولاً آثار ایشان را با نوشته‌های تاریخی ارتباط نمی‌دهیم مانند آقا حسین آشچی، آقا رضا قتّاد و یا سمندر که تاجر بود. به همین جهت این آثار تاریخی امروزه بسیار مهمّ قلمداد می‌شوند زیرا گویای حقایق و نکاتی هستند که کتاب‌های تاریخ رسمی مانند روضة الصفاى هدایت فاقد آنست. هدف آن دسته همان طور که اشاره نمودم تملّق و تمجید از پادشاه، تعریف بی‌حدّ از وضع سلطنتش، و انتقاد و حمله به دشمنان او است. اما آنچه مؤمنین صدر امر

نگاشته‌اند نمایانگر چهره دیگری از اجتماع ایران در اواخر قرن نوزده و اوایل قرن بیستم می‌باشد و به همین جهت از ارزش خاص بهره‌مند است.

شاید برای نخستین بار در تاریخ ایران افراد خاطرات خود را نه به خاطر خوش آمد پادشاه و یا شاهزاده و وزیری که جیره‌خوارش بوده‌اند، بلکه به خاطر این احساس که وقایع و حوادثی که شاهد عینی آن بوده‌اند ثبت نمایند به رشته تحریر در آورده‌اند.

شیخ محمد کاظم سمندر

برای آنکه مورّخی منابع اولیه را درست و به طور علمی به کار برد معمولاً چند سؤال در باره آن منبع مطرح می‌نماید. این پرسش‌ها عبارتند از اینکه: (۱) نویسنده کیست؟ (۲) کجا و کی این تاریخ نوشته شده؟ (۳) چرا آن را نوشته؟ (۴) چگونه نوشته است؟

حال بر اساس این سؤال‌ها نگاهی به تاریخ سمندر می‌اندازیم.

مؤلف این تاریخ شیخ کاظم سمندر است. کسی که حضرت ولی امرالله او را یکی از ۱۹ حواریون حضرت بهاءالله به شمار آورده‌اند. وی تاجر بود، در قزوین زندگی می‌کرد و بیشتر به تجارت ابریشم اشتغال داشت. به خاطر فعالیت‌های تجارتي خود سفرهای فراوانی کرد و شهرهایی که بسیار از موطن او قزوین دور بود مثل استانبول، و یا شهرهای نزدیک‌تر را مثل تبریز یا رشت مورد بازدید قرار داد. خانواده سمندر و پدر او در مرکز بسیاری از فعالیت‌های بهائی قرار داشتند و به این خاطر او توانست بسیاری از بهائیان اولیه را ملاقات نماید. اگرچه در زمان او عده زیادی از بابی‌ها و بعداً بهائی‌ها در قزوین زندگی می‌کردند اما یک چیز او را از سایرین برجسته‌تر می‌نماید و آن اینکه وی بیشتر وقایعی که می‌دید و شاهد بود بر روی کاغذ آورد و برای آیندگان به یادگار باقی گذاشت.

مقدمه‌ای بر تاریخ سمندر

تاریخ سمندر به طور اطمینان از همه آثار متعدد شیخ کاظم سمندر مشهورتر می‌باشد و مورد استفاده مورّخین قرار گرفته است.^۱ این تاریخ شامل دو بخش است: بخش اول بین سال‌های ۱۸۵۵ تا ۱۸۸۶ تألیف گردیده و شش فصل دارد. در این شش فصل سمندر تاریخ خانواده خود، بایان قزوین و برخی از خاطرات شخصی خویش را نگاشته است. بخش دوم بین سال‌های ۱۹۱۳ تا ۱۹۱۴ نوشته شده و شرح حال‌های گاه مختصر و گاه مفصّلی از هفتاد نفر بهائی و بابی دارد.^۲ بنا بر این فقط بر اساس همین آگاهی‌ها ما می‌توانیم به طور واضح بگوئیم که تاریخ سمندر منبع بسیار مهمی در مورد تاریخ خانواده سمندر، شهر قزوین، و زندگی‌نامه بایان و بهائیان است که در مورد آنها در منابع دیگر چیزی نیامده است.

با آنکه سمندر به معنای کامل کلمه مورّخ نبود، اما مطالعه کتاب او نشان می‌دهد که وی مطالعات فراوانی داشته و با استخوان‌بندی سایر کتاب‌های تاریخی آشنا بوده است. این امر که وی شرح حال ۷۰ نفر را به کتابش اضافه کرده نشان دنباله‌روی از سبک قدیمی تذکره‌نگاری است و شبیه تذکره‌های

حبيب السّير و عالم آرای عباسی به قلم وقایع نگاران آخر دوره صفویّه است که شرح احوال افراد برجسته را دارا می‌باشند.

سبک نگارش تاریخ سمندر با سبک رایج در کتاب‌های رسمی تاریخی زمان خود متفاوت است. سبک او با آنکه برخی شواهد سجع در آن دیده می‌شود ساده و با جملاتی کوتاه و روشن است، بدون شاخ و برگ و یا جملات غیر لازم. این سبک مخصوصاً برای خواننده امروزی به آسانی قابل درک می‌باشد و در مقایسه با سبک‌های مشکل دیگر مخصوصاً تاریخ‌های رسمی دارای تازگی است.

دیباچه تاریخ سمندر

حال که پاسخ کی، کجا، و کی را دریافتیم باید به پرسش دیگر پردازیم که چرا سمندر به نگاشتن این تاریخ همت گماشت. در مورد کتاب‌های ایرانی پاسخ این سؤال را معمولاً در دیباچه می‌یابیم. در این بخش از کتاب است که مؤلف خود را معرفی می‌نماید و به خواننده می‌گوید که چرا تصمیم به نگارش این اثر گرفته است، سپس درباره شیوه نگارش و منابع خود توضیح می‌دهد. برای مثال در کتاب‌های تاریخ اوایل دوره صفویّه مورّخین اغلب می‌نگارند که تاریخ خود را برای بزرگداشت آن سلسله نگاشته‌اند.

سمندر در دیباچه کتاب خود هدف خویش را از نوشتن آن تاریخ این طور می‌نگارد: «... این عبد علیل نظر به اشاره و میل بعضی از طائفین حول ربّ جلیل جلّ اجلاله، قصد ذکر شهداء و صلحاء و اولیاء متقدّمین اوّل دوره این شهر مسمی به قزوین را نموده.» (صص ۱۳-۱۴).

با این جمله نویسنده معلوم می‌دارد که اولاً مشوّق او در نگاشتن تاریخ کسانی از ملازمین حضرت بهاء‌الله در اراضی مقدّسه بوده‌اند و ثانیاً هدف آن بوده که نام بزرگان امر در قزوین در تاریخ به یادگار بماند.

سمندر در دست زدن به این کار به اهمّیت و فوریت آن نیز آگاه بوده زیرا می‌نویسد که از روزهای اوّلیه امر هنوز مدّتی طولانی نگذشته است و یاد آن بزرگان در خاطره‌ها باقی است: «چه که هنوز از قصص صحیحّه واقعیه آنها می‌توان ثبت نمود و وصیت‌نامه ماندی هم در ضمن آن، چه که از ایّام شهداء متقدّمین علیهم بهاء الله الابهی و رحمة العلیا چیزی نگذشته...» (ص ۱۴).

این پاسخ «چرا»ی ماست. آنچه که مانده پاسخ به «چگونگی» تنظیم و نگارش تاریخ است. با آنکه تاریخ‌نگاران همواره علاقه‌مندند بدانند که مورّخین قبل از آنها منبع اطلاعاتشان چه بوده و چگونه کتاب خود را تنظیم کرده‌اند متأسفانه مورّخین اوّلیه ایرانی به ما نمی‌گویند که روش آنان در جمع‌آوری مدارک و تنظیم کتاب چه بوده است. سمندر در این مورد استثناء است زیرا با اعتراف به اینکه مقداری از حکایات و نکات مربوط به حیات متقدّمین از بین رفته مع‌هذا می‌گوید هنوز از معاصرین و معاشرین آن نفوس برخی حیات دارند. بدین ترتیب وی منبع تاریخ خود را نیز معرفی می‌کند و می‌گوید که اطلاعات خود را از کجا کسب کرده است: «... و از معاصرین و معاشرین آنها

برخی موجودند. مع ذلك اغلب و اكثر نکات حکایات و دقایق واقعات آنها محو شده...» (ص ۱۴). و در باره اینکه چرا به این امر مبادرت ورزیده خود می‌گوید: «... حالت خود و امثال خود را از حالت آنها مثال گرفتم و به کمال استعجال با تبلیل بال و کثرت اشتغال و گفتگوی اطفال به تحریر این اوراق پرداختم که لعل فرصت فوت نشود و وقت از دست نرود و الله المستعان فی کل حال و حین، و الحمد لله مالک يوم الدين.» (ص ۱۴).

سر انجام به جمع‌بندی این عوامل می‌پردازد و می‌نویسد: «و چون این دو امر با هم توأم شد و این دو مطلب درهم، به قلب چنین آمد که کتاب وصیت مع آنچه از سیر و تواریخ که از معتمدین شنیده می‌شود و ضبط آنها مغتنم است مدغم نمایم که از برکت و میمنت برخی از اذکار شهدا و اولیای اطهار ابرار این اوراق یادگار بماند.» (ص ۱۴).

بنا بر این سمندر بی‌نهایت به اهمیت زمانی که در آن می‌زیست آگاه بوده، بیم آن را داشته است که آنچه از حوادث و وقایع در خاطره‌ها باقی است از بین برود و فراموش گردد و بالاتر از همه ارزش فراوان ثبت وقایع را که شنیده و یا شاهد بود می‌دانسته است.

اهمیت تاریخ سمندر به منزله یک منبع تاریخی

یکی از شیوه‌های ارزش‌یابی هر متن آن است که ببینیم منبع ما چه اطلاعاتی می‌تواند به ما بدهد و آنگاه بر آن اساس متن مزبور را به کار گیریم. اگر دنبال اطلاعات غلط برویم از متن زیاد سودی عایدمان نخواهد شد. مثلاً اگر پرسیس «نقاش‌های بابی در قزوین در زمان سمندر چه می‌کردند» تاریخ سمندر نمی‌تواند پاسخ درستی به این پرسش بدهد زیرا مؤلف همان طور که دیدیم یک تاجر بوده است. باید دانست که هر متنی حدود و دایره مشخص خود را دارد که بر آن تکیه می‌کند. حال به آن قسمت‌هایی از تاریخ سمندر که به نظر من برای مورخ امروزی مهم است و به درک و برداشت او از تاریخ اولیه امر کمک می‌کند اشاره می‌نمایم. البته آنچه برای این بررسی برگزیده‌ام شامل تمامی بخش‌های مورد نظر نیست بلکه در اینجا فقط به سه حوزه که برای مورخ امروزی قابل اهمیت است اشاره می‌نمایم:

۱- تاریخ سمندر به عنوان منبع تاریخ خانواده خود.

۲- تاریخ سمندر به عنوان تاریخ قزوین (مخصوصاً تجار قزوینی).

۳- تاریخ سمندر به عنوان منبعی درباره تاریخ مؤمنین اولیه.

اینک هر بخش را همراه با پیشنهادی در باب منابع اضافی برای مطالعه بیشتر مطرح می‌کنم و نیز شرحی از اینکه چگونه یک مورخ می‌تواند برای بالا بردن درک و برداشت خود از تاریخ بابی/بهای از آن استفاده نماید بیان می‌دارم.

۱- تاریخ سمندر به عنوان منبع تاریخ خانواده خود

مورّخین امروزی علاقه روزافزونی به تاریخ‌های خانوادگی نشان می‌دهند. اینان به وضع زندگی ثروتمندان و افراد مشهور و یا تاریخ تمامی طبقات مردم علاقه‌ای ندارند ولی به تاریخ خانواده‌ها علاقه‌مندند. قابل توجه است که بدانیم برنامه درس برخی از دانشگاه‌ها را در رشته تاریخ «تاریخ خانوادگی» تشکیل می‌دهد. سمندر در تاریخ خود به طور مفصل از زندگانی شخصی خویش و حیات اجداد خود شرحی نوشته است. در این بخش نمونه‌هایی از فداکاری‌ها، رنج‌ها، و قهرمانی‌های مؤمنین ثابت قدم اولیه را می‌بینیم و به خدمات پر ارزش ایشان به ساحت امر پی می‌بریم. جناب سمندر درباره پدر خود شیخ محمد نبیل اکبر که تاجر بوده و پدر بزرگ خویش حاجی رسول، و جد بزرگ خود حاجی رضا جوینی شرحی دارد.

«مرفوع نبیل پسر مرحوم حاجی رسول پسر مرحوم حاجی رضا مشهور به جوینی بوده‌اند و از آثار مرحوم حاجی رضا طاب ثراه یک کاروانسرا و یک حصار باقی است. کاروانسرا را اولاد فروخته‌اند در دست مردم است و حصار در دست و تصرف اولاد و تاج و تبار اوست. و اما حاجی رسول مردی تاجر بوده و در اواخر عمرش تخمین بیست و دو سال در کربلای معلّی مجاور بوده و به عبادت و زیارت اشتغال داشته و مصارف آن سنین را والد مرحوم به روح و ریحان می‌فرستاده‌اند.» (صص ۱۵-۱۶).

وی بعداً می‌نویسد که چگونه آنان ابتدا به نهضت شیخی پیوستند و بعد بانی و سرانجام بهائی شدند. از تاریخ سمندر در می‌یابیم که پدر سمندر افتخار تشریف به حضور مبارک حضرت ربّ اعلی را یافتند و وقتی حضرت باب شنیدند که او دچار ضرب و شتم و فلک شده فرمودند: «شما را چوب زدند، مرا چوب زدند.» (ص ۳۰).

و نبیل پس از ذکر این بیان همواره می‌گفته است که: «بعد از استماع این کلمه مبارکه که از جوهر مرحمت نازل شده گویا شادید و صدمات مزبوره در مذاق من احلی و الذّ از هر شهید و حلوی گردید.» (ص ۳۰).

این بخش از تاریخ سمندر اگر با بخش‌های مشابه در سایر تاریخ‌های شخصی و خانوادگی مقایسه شود می‌تواند در پژوهش و تحقیق درباره جریان و چگونگی تبلیغ مؤمنین اولیه بسیار مفید واقع گردد. یعنی می‌توان دید چه کسانی آن موقع به امر ایمان آوردند و چرا؟ و آیا در جریان تبلیغ مؤمنین اولیه یک طرح و سیر ثابت و یکسان می‌توان دید یا نه.

تاریخ سمندر البته دارای دقیق‌ترین و بهترین اطلاعات از حیات خود ایشان است. از این شرح می‌توانیم درباره فعالیت‌های تجارتهای ایشان و سفرهایی که به خاطر کارهای امری انجام داده‌اند اطلاعاتی به دست آوریم و از رنج‌ها و سختی‌هایی که در راه امر، خود و خانواده ایشان متحمل شده‌اند آگاهی یابیم. سمندر شخصاً بارها مورد کتک و ضرب و شتم قرار گرفت و در دست دشمنان امر دچار مشکلات و رنج‌های بی‌شمار شد. در عین حال این افتخار را یافت که دو بار به حضور

حضرت بهاء‌الله و یک بار به حضور حضرت عبداله‌اء مشرف گردد. جناب سمندر همچنین شرح گویائی دربارهٔ اعضای خانوادهٔ خود، دوستان خویش، جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کرد، و کیفیت زندگانی خویش که به خاطر بهائی بودن بدان مجبور بوده نگاشته است. برای مورّخین امروزی که مایلند اطلاعات و آگاهی‌های دقیق دست اول از شیوهٔ زندگانی و ساختار خانوادگی یکی از مؤمنین اولیهٔ به دست آورند تاریخ سمندر منبع گرانبھائی به شمار می‌آید.

۲- تاریخ سمندر به عنوان تاریخ قزوین (مخصوصاً تجار قزوینی)

در بالا گفتیم که تاریخ‌نگاران امروز توجه فراوانی به تاریخ خانواده‌ها دارند. اما سوای آن، تاریخچهٔ شهرها و مناطق مسکونی نیز مورد علاقه و پژوهش ایشان است. به عبارت دیگر می‌خواهند بدانند ساختار و سازمان و عملکرد زندگی در شهرها چگونه بوده، چه نوع مردمی در آنها زندگی می‌کرده‌اند، زندگانی ایشان چه صورتی داشته است و شهرها در چه زمینه‌هایی با یکدیگر تفاوت داشته‌اند. مثلاً آیا تاریخ امر در شهر یزد شبیه تاریخ امر در قزوین بوده است؟ آیا در هر دو شهر مردم از یک طبقهٔ اجتماعی به امر اقبال نموده‌اند؟ اگر نه، آیا می‌توانیم تفاوت‌ها را برشماریم؟ تاریخ سمندر به طور فراوان اطلاعاتی در اختیار ما می‌گذارد که می‌تواند لاقلاً پاسخگوی بخشی از این سؤالات باشد زیرا این تاریخ شامل شرح مفصلی از شهر قزوین است.

قزوین در زمانی طولانی از جمله شهرهای مهم ایران به شمار می‌رفته است. شاه طهماسب صفوی (۱۵۲۴-۱۵۷۶) پایتخت خود را از تبریز به قزوین منتقل کرد. بعدها در زمان شاه عباس اول (۱۵۸۷-۱۶۲۹) پایتخت به اصفهان منتقل شد. در تمام این مدّت قزوین از لحاظ تجاری، فرهنگی از اهمیّت فراوان بهره‌مند بود. در زمان شاه طهماسب چندین وقایع‌نگار در قزوین سکونت داشتند مثل حسینی قزوینی مؤلف لباب التواریخ، و بودق متشی قزوینی مؤلف جواهر الاخبار.

به این ترتیب اطلاعاتی از قزوین در عصر صفویه داریم اما تاریخ سمندر وضع آن شهر را در اواخر دورهٔ قاجار تشریح می‌نماید. بر اساس مندرجات این تاریخ می‌توانیم مخصوصاً در بارهٔ یک گروه خاص از بابیان و بهائیان آن شهر یعنی تجار اطلاعات کافی دریافت کنیم.

می‌دانیم که در سال‌های اولیهٔ دیانت بابی، بعد از مآلها، تجار بزرگ‌ترین رقم مؤمنین را تشکیل می‌دادند. برای یافتن علت این امر و نیز یافتن پاسخ به پرسش‌های دیگر باید به تاریخ سمندر رجوع کنیم.

ظاهراً نخستین خاندانی که از شیخیگری به دین جدید حضرت باب رو آوردند خانوادهٔ فرهادی بودند.^۳ در تاریخ سمندر اطلاعات فراوانی در بارهٔ این خانواده و نقش آنان در گسترش امر الهی به دست می‌آوریم.^۴

این تاریخ نشان می‌دهد که چگونه خانوادهٔ مزبور که اینک بابی شده بودند منابع مالی و قدرت خود را در دفاع و حفظ جامعهٔ همیشه در خطر بابی قزوین به کار می‌بردند. بنا بر این پژوهشگرانی که فی‌المثل در زمینهٔ تجار بهائی شهرهای طهران و شیراز تحقیق کرده‌اند، اگر بخواهند به مقایسهٔ

تحقیقات خود با جامعه بابی و بعداً بهائی تجار قزوین پردازند تاریخ سمندر منبع گرانبهای است که نمی‌توانند از آن چشم‌پوشند.

۳- تاریخ سمندر به عنوان منبعی در باره تاریخ مؤمنین اولیه

به خاطر دارا بودن شرح احوال هفتاد تن از مؤمنین اولیه قزوین و جاهای دیگر تاریخ سمندر کتابی بسیار گرانبها است زیرا اطلاعاتی که از برخی افراد به دست می‌دهد منحصر به فرد است و فقط در این تاریخ دیده می‌شود. با آنکه وقت ما اجازه نمی‌دهد که اسامی تمامی هفتاد نفری که در تاریخ سمندر آمده است بخوانم اما چند نفر را که در تاریخ دو دیانت بابی و بهائی دارای اهمیت هستند نام می‌برم.

نخست شرحی است که جناب سمندر از حیات جناب طاهره نگاشته‌اند. برای قرن‌ها تاریخ‌نگاران تاریخ و وقایع و احوال مربوط به بیش از نیمی از جمعیت جهان را که زنان باشند نادیده گرفته‌اند. این که در یک کتاب تاریخ چند صد صفحه‌ای که بر از اسامی مردان است فقط به نام چند زن بر می‌خوریم چیز تازه‌ای نیست و بسیار عادی است. امروزه مورخین کوشش دارند که تاریخ زنان را «بازسازی» نمایند، می‌خواهند بدانند این زنان کی هستند، چه کرده‌اند، و بعد آن اطلاعات را در تاریخ عمومی خود ادغام نمایند. امروزه در دانشگاه‌ها دروس مربوط به تاریخ بانوان امریکا، بانوان اروپا، یا خاور میانه و یا سایر جاها تدریس می‌گردد. در زمینه تحقیقات در مورد زنان خاور میانه این پژوهش از تحرک و شور بیشتری برخوردار است زیرا بهترین پژوهشگران در این زمینه به تحقیق و نگارش اشتغال دارند.

هیچ تحقیقی در زمینه زنان دوره قاجار نمی‌تواند شرح زندگانی حضرت طاهره را نادیده بگیرد. طاهره قره‌العین از حروف حی و از نخستین پیروان حضرت باب از اهل قزوین، زنی شاعر، فیلسوف، محقق و روشنفکر بود که امروزه به طور روز افزون توجه مردم جهان را به خود جلب می‌نماید. هر کس بخواهد مطالب بیشتری درباره این زن بزرگ تاریخ بداند ناچار به رجوع به تاریخ سمندر است. در این تاریخ نه تنها درباره حضرت طاهره بلکه درباره زنان بابی که دور و بر ایشان بودند نیز اطلاعاتی دریافت می‌داریم.^۵ از جمله خدمتکار او کافیه؛ خواهر کربلائی لطف علی حلاج؛ همسر ملا ولی‌الله قزوینی؛ و مادر ایادی امرالله جناب ابن ابهر.^۶ تاریخ سمندر در باره شهرت حضرت طاهره در بین زنان قزوین حتی قبل از سال ظهور (۱۸۴۴/۱۲۶۰) شرحی دارد و می‌نویسد که او را «دختر آقا» یا «خانم» می‌نامیده‌اند.^۷

«خلاصه در آن ایام ریاست شرعی قزوین اغلب و اکثر با آنها بوده و جمیع اعزّه از زن‌های این شهر چه شاهزاده‌اعیان و غیر اعیان و زن‌های کسبه و تجار جمیعاً ارادت داشتند و «دختر آقا» خطاب می‌نمودند و «خانم» می‌خواندند.» (ص ۷۳).

اینکه جناب سمندر اصولاً درباره زنان و شرح احوال آنان نگاشته مطلبی بسیار چشمگیر و برجسته بوده و با سایر تواریخ دوره قاجار کاملاً در تضاد است. در کتاب‌های تاریخی تنها از زنانی نام

برده می‌شود که ملکه، شاهزاده و یا مادر پادشاهان باشند. آن هم هنگامی که مسأله جانشینی پادشاه مطرح باشد و یا مورخ بخواهد از توطئه‌هایی که معمولاً «سیاست حرمسرا» نام دارد شرحی بیاورد.

سمندر مبلغ امرالله: دیروز و امروز

سخنرانی کوتاهی مانند آنچه من بر عهده دارم نمی‌تواند به طور وافق حقیق مطلب را در مورد آثار قلمی جناب سمندر بجا آورد. کوشش من این بود که به طور کوتاه اشاره‌ای به یکی از آثار متعدد او نمایم. بجای آنکه به طور اختصار شرح دهم که در تاریخ سمندر چه آمده کوشش کردم از دید یک مورخ به این کتاب بنگرم و دریابم که چگونه محقق امروزی می‌تواند بر اساس اطلاعات این کتاب گرانبها در سه حوزه مهم پژوهش، یعنی تاریخ خانواده، تاریخ شهر، و تاریخ زنان به تحقیق پردازد. سخنان خود را با این جمع‌بندی به پایان می‌آورم. سمندر مبلغ و خادم برجسته امر حضرت بهاءالله بود و عمر خود را صرف خدمت به امر الهی کرد. اما خدمات او امروز هم ادامه دارد زیرا تاریخ او یعنی تاریخ سمندر دست ابزار محققین و دانشجویان تاریخ در درک بهتر وقایع و حوادث امری و ریشه آنها است.

اما آنچه امروز از تجزیه و تحلیل و مطالعه بر اساس این تاریخ در اختیار داریم حاصل پژوهش‌ها و تحقیقات چند تن محدود از افرادی است که به این تاریخ دسترسی داشته و آن را در کار خود مورد استفاده قرار داده‌اند. آنچه امروز بسیار مورد نیاز است آن است که این کتاب بسیار مفید تجدید طبع شود به طوری که بهائیان و غیر بهائیان بتوانند به راحتی به آن دسترسی یابند. با آنکه تاریخ سمندر بیست سال پیش در ایران چاپ شده اما امروزه تنها نسخه‌ای از آن که در کتابخانه‌های عمومی و دانشگاهی ایالات متحده یافت می‌شود یک نسخه در کتابخانه دانشگاه کالیفرنیا در لوس‌انجلس است. سایر نسخه‌ها و یا فتوکپی‌ها در اختیار افراد است که معمولاً دور از دسترس قرار دارد.

به دلایل مختلف امروزه در تحقیقات ایران‌شناسی محققین به طور روز افزون در زمینه مطالعه دو دیانت بابی و بهائی توجه نشان می‌دهند. این توجه مخصوصاً در زمینه‌هایی که من شرح دادم بیشتر است. برای چنین افرادی دسترسی به تاریخ مهمی مثل تاریخ سمندر از ضروریات است. بنا بر این اجازه می‌خواهم سخنان خود را با این تقاضای صمیمانه به پایان بیاورم که تاریخ سمندر لااقل از روی همان متن قدیمی ایران منتشر گردد و یا حتی بهتر، نشر جدیدی همراه با ترجمه انگلیسی آن منتشر شود. این امر اجازه خواهد داد که افراد عادی و نیز متخصصین مطالعات ایرانی چه در کلاس‌های درسی و یا در نشریات علمی و کتاب‌ها از آن استفاده نمایند.

سوای آن می‌خواهم باکمال فروتنی پیشنهاد کنم سایر آثار جناب سمندر که تاکنون منتشر نشده و من فرصت نیافتم در این گفتار به آنها اشاره کنم منتشر گردد. این آثار در اختیار افراد فامیل ایشان است و نشر آنها موجب خواهد شد که تمام علاقه‌مندان جهان به این کتب که از اهمیت فراوان برخوردارند دسترسی پیدا کنند. تنها به این وسیله است که ما سهم ناچیز خود را در اینکه خدمات شیخ کاظم سمندر حتی پس از مرگ او ادامه یابد ایفا خواهیم کرد. او بود که عمر خود را با فداکاری

و گذشت و رنج صرف خدمت به امر کرد. باشد که به این ترتیب گروه بسیار فراوان تری، خیلی بیشتر از افرادی که در قزوین آن روز مورد توجه او بودند، یعنی نسل‌های متمادی از فداکاری و دانش و میراث‌گرانه‌های او بهره‌مند شوند. آیا نسل امروز می‌تواند هدیه‌ای بهتر از این به آیندگان خود تقدیم نماید؟

یادداشت‌ها

* این سخنرانی را به روح پاک خانم لمیعه سمندری خاله عزیزم که نه ماه پیش به ملکوت ابدی صعود کردند تقدیم می‌کنم. ایشان عشق شدیدی به تحصیل علم داشتند، روشنفکر و مشوق و نمونه‌ای پیشرو برای بانوان عصر خویش بودند و از هر نوع تعصب مذهبی برکنار. همواره رهروی همان روش زندگی ایشان خواهم بود. آرزو داشتم که ایشان در این جلسه به صورت جسمانی هم حضور می‌داشتند.

۱- برای اطلاعات بیشتر در باره تاریخ سمندر و بررسی و اهمیت متن از نظر یک منبع تاریخی نگاه کنید به: Abbas Amanat, *Resurrection and Renewal: The Making of the Babi Movement in Iran, 1844-1850* (Ithaca and London: Cornell University Press, 1989) p. 435; Hasan Balyuzi, *Eminent Bahá'ís in the Time of Bahá'u'lláh* (Oxford: George Ronald, 1985); Denis MacEoin, *The Sources for Early Bábí Doctrine and History: a Survey* (Leiden: E.J. Brill, 1992).

۲- ر.ک. امانت، کتاب بالا، ص ۴۳۵.

۳- ر.ک. امانت، کتاب بالا صص ۳۴۸-۳۴۹. امانت اطلاعات خود را در باره خانواده فرهادی از تاریخ سمندر و سایر منابع گرفته است.

۴- ر.ک. امانت، ص ۳۵۰.

۵- شیخ کاظم سمندر، تاریخ سمندر، مندرج در عبدالعلی علائی، تاریخ سمندر و ملحقات (طهران: مؤسسه ملی مطبوعات امری، ۱۳۱ ب)، ص ۵۱.

۶- ایضاً، صص ۳۵۸، ۳۷۰.

۷- ایضاً، صص ۷۳، ۳۴۵.